

## چهل تکه دوزی در فرهنگ مردم ایران

(بررسی موردی استان چهارمحال و بختیاری و شهرستان سمیرم)

مریم استادآقا<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از انواع صنایع دستی ایران و جهان، چهل تکه دوزی است. در چهل تکه دوزی، قطعات رنگارنگ پارچه در اندازه‌های مختلف به یکدیگر دوخته می‌شوند. از آن جا که تکه‌های بسیار زیاد پارچه در کنار هم قرار می‌گیرند، به آن چهل تکه می‌گویند. کاربرد چهل تکه دوزی در درست کردن وسایلی نظیر لحاف، روتختی، کوسن و پرده می‌باشد.

مقاله حاضر گزارشی است درباره پدیده چهل تکه دوزی در شهرستان سمیرم واقع در استان اصفهان و استان چهارمحال و بختیاری که ضمن معرفی این هنر و آشنا ساختن مخاطب با شیوه تهیه آن، چهل تکه دوزی را به عنوان پدیده تام فرهنگی در مناطق مذکور مورد مطالعه تطبیقی قرار می‌دهد. شایان ذکر است که در این زمینه در ایران، به استثنای یکی دو مورد بسیار جزئی، منبع مکتوبی وجود ندارد و قسمت زیادی از مطالب مقاله، حاصل سفر به این دو منطقه است. روش تحقیق در این مقاله، اسنادی و میدانی است.

**کلید واژه‌ها:** چهل تکه دوزی، سمیرم، چهارمحال و بختیاری، آجیده دوزی، مجلسه دوزی.

---

۱. کارشناس ارشد مردم‌شناسی (m\_27\_ostad@yahoo.com)

## مقدمه

یکی از محصولات فرهنگ مادی و ارزشمند در تاریخ زندگی بشر، آشنایی با الیاف است. شاید نتوان قدمت این دستاورد مهم بشری را دقیق رقم زد، اما همین بس که تار و پودهای بافته شده و به جا مانده از انسان تمدن کهن سیلک در ایران خود گویای اهمیت این محصول فرهنگی به ظاهر پیش پا افتاده است. بشر از دوران کهن به واسطه الیاف و مشتقات آن نیازهای بسیار زیادی را تأمین کرده و امروزه دامنه این کارکرد از مادیات فراتر رفته و به جرأت می‌توان گفت که انسان از یک محصول مادی ساده، برای ارضای نیازهای معنوی و روحی خود استفاده می‌کند؛ آنچه را که امروزه در جوامع مختلف دنیا با عنوان هنر منسوجات رواج پیدا کرده است، می‌توان به عنوان نمونه‌ای از کارکرد معنوی این دستاورد فرهنگی در نظر گرفت، چرا که پیدایش هنر در دوران پارینه‌سنگی جدید از مهم‌ترین وقایع فرهنگ معنوی بشر بوده است. دامنه این رشته هنری که در بسیاری از جهات به هنرهای انتزاعی گرایش پیدا کرده، بسیار گسترده است که از این میان تنها به چهل تکه‌دوزی اشاره می‌کنیم. هدف این مقاله، بررسی فرهنگی و مردم‌شناختی چهل تکه‌دوزی بویژه در ایران است.

بر اساس تعریف «تایلر» از فرهنگ، که گوید: «فرهنگ به مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنر، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، آیین‌ها و تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که خود به عنوان عضو جامعه از جامعه خود فرا می‌گیرد» چهل تکه‌دوزی به عنوان یک هنر را هم می‌توان به عنوان پدیده‌ای فرهنگی در نظر گرفت که در جوامع بشری رواج دارد و به عنوان نمونه‌ای از دستاوردهای انسان دارای معناست که این معنا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به زندگی مردم مربوط می‌شود و در زمان‌های متفاوت به فراخور شرایط جامعه و فرهنگ، کارکردهای متفاوتی را در زندگی انسان ایفا می‌کند. به لحاظ کارکردگرایی می‌توان گفت هیچ عنصری در حیات جمعی ظهور نمی‌یابد، مگر اینکه از کارکردی مثبت برخوردار بوده و توانایی پاسخگویی به نیازی را داشته باشد. پس باید دید، چهل تکه‌دوزی چگونه تحت تأثیر فرهنگ و محیط خالق آن شکل می‌گیرد و در مقابل، چه کارکردهایی را در آن جامعه

ایفا می‌کند. در زمینه تاریخچه و پیشرفت تکنیکی این هنر نیز مطالعات و تألیفات فراوانی در کشورهای غربی صورت گرفته و آنچه در دسترس است کتابهای ترجمه نشده‌ای است که در جریان این کار برخی مطالب مفید آنها را ترجمه کرده‌ام. در ایران هم به جرأت می‌توان گفت که در این زمینه مطالعه جدی صورت نگرفته است و منبعی به فارسی موجود نیست و تنها در کتاب «نگرشی بر روند سوزن‌دوزی‌های سنتی در ایران از هشت هزار سال پیش از میلاد تا امروز» اثر منتخب صبا، به چهل تکه‌دوزی به عنوان نمونه‌ای از صنایع دستی اشاره‌ای کوچک شده است.

### آشنایی با چهل تکه‌دوزی و روش تهیه آن

چهل تکه‌دوزی فرآیندی است که طی آن قطعات ریز و درشت و رنگارنگ پارچه‌های مختلف به یکدیگر دوخته می‌شوند و چون تکه‌های بسیار زیادی از این پارچه‌ها و قطعات در کنار هم قرار می‌گیرند، به آن چهل تکه می‌گویند. جاذبه یک اثر چهل تکه در رنگارنگی و تنوعی است که در پارچه‌های به کار رفته در آن وجود دارد. هرکدام از این پارچه‌ها و قطعات می‌توانند حرف‌هایی برای گفتن داشته باشند و چه بسا هر قطعه سرگذشتی پر فراز و نشیب طی کرده است تا در نهایت در کنار قطعات دیگر به صورت یک چهل تکه بتواند نیازهای مختلفی را تأمین کند و برای مصارف گوناگونی مثل لحاف، روتختی، (بیشتر در کشورهای غربی بویژه آمریکا) کوسن، پرده و... به کار رود.

چهل تکه‌دوزی نیاز به مهارت زیادی دارد برای انجام این کار پارچه‌های رنگی را پیش از دوخت کاملاً می‌شویند تا از ثابت بودن رنگ و شکل آن اطمینان حاصل شود. پارچه‌ها به صورت مربع، مستطیل‌های ریز و درشت، لوزی و مثلث بریده می‌شوند و از پشت به وسیله کوک‌های ریز به هم متصل می‌گردند نکته جالب در این کار این است که با وجود چرخ خیاطی که کار را برای علاقه‌مندان آسان می‌کند، تأکید بر این است که این دوخت‌ها حتماً با دست صورت گیرد تا ظرافت کار رعایت شود و از سوی دیگر به حفظ شکل سنتی این تکنیک کمک شود. چهل تکه‌دوزی به روش‌های مختلفی

انجام می‌شود که هر کدام تکنیکی خاص برای خود دارد. این روش‌ها عبارتند از:

۱- روش ساده

۲- روش معرق

۳- روش مرصعی

۴- روش نمدی

۵- روش ضخیم‌دوزی و برش (اسفندیاری، ۱۳۷۲: ۳۲)

گذشته از این روش‌ها چهل‌تکه‌دوزی گاهی با تکنیک‌های خاص، مثل آجیده‌دوزی یا مطلسه‌دوزی و تکه‌دوزی همراه می‌شود و آن را از حالتی ساده خارج می‌کند. در ادامه به اختصار به توضیح این دو تکنیک می‌پردازیم.

### آجیده‌دوزی یا مطلسه‌دوزی

آجیده در فارسی به معنای بخیه زدن، سوزن زدن، خلاییدن سوزن یا درفش یا نشتر در چیزی است. (فرهنگ عمید، ۴۴) آجیده‌دوزی یعنی دوخت ریز و ظریف بر روی پارچه‌ای دولایه با لایه نازکی از پنبه در وسط آن. آجیده‌دوزی یا پنبه‌دوزی نوعی از رودوزی‌های سنتی ایران است و ریشه عمیقی در هنرهای سنتی ایران دارد. درباره سابقه این هنر اطلاعات دقیقی در دست نیست. اما قدیمی‌ترین مدرک، مربوط به زمان هخامنشیان است. در آن دوره، قسمت ریز تسمه‌های تیردان‌ها با لایه‌ای از پارچه پنبه‌دوزی شده آستر داده می‌شد تا سنگینی وزن آن باعث آزار شانه حمل‌کننده نشود. (اسفندیاری، ۱۳۷۲: ۱۰۴) از آن دوران به بعد نمونه‌های متعددی در حجاری‌های دوران اشکانی و ساسانی به چشم می‌خورد و همچنین در دوره اسلامی تا زمان صفوی این نوع دوخت از رواج نسبی برخوردار بوده که در این دوران و همچنین در زمان‌های افشاریه، زندیه و قاجاریه هنرمندان آجیده‌دوز برای رویه پارچه قلمکار نقشی ریز انتخاب می‌کردند و آن را آجیده‌دوزی می‌کردند. (اسفندیاری، ۱۳۷۲: ۱۰۴) این نوع

دوخت بیشتر برای تزئین روبالشی، لحاف، روتختی، البسه، کلاه‌های درویشی، بقچه سوزنی<sup>۱</sup>، سجاده، روانداز و... مورد استفاده قرار می‌گرفت و با این دوخت نقوش مختلفی روی پارچه ایجاد می‌شد. این هنر در گذشته در ایران در استان‌های کرمان و خراسان رواج داشت و امروزه بیشتر در کرمان بویژه شهرستان ماهان انجام می‌شود، این نوع دوخت بیشتر مواقع روی محصولات چهل تکه هم انجام می‌شود. بویژه زمانی که از چهل تکه به عنوان لحاف استفاده می‌کنند که نه تنها به آن لحاف زیبایی می‌دهد، بلکه پنبه به کار رفته در آن خاصیت گرمابخشی نیز دارد.

### تکه‌دوزی

تکه‌دوزی در فارسی به نامهای بخارادوزی و رقعه‌دوزی هم معروف است. این تکنیک به این ترتیب است که قطعات پارچه به شکل‌ها و طرح‌های گوناگون روی پارچه‌ای بزرگتر به‌عنوان زمینه دوخته می‌شود. تفاوت چهل تکه‌دوزی و تکه‌دوزی در این است که در چهل تکه‌دوزی تکرار وجود دارد، یعنی یک طرح مدام در طول کار تکرار می‌شود و این شکل‌ها در بیشتر موارد اشکال هندسی هستند که از پشت به وسیله کوک به هم متصل می‌شوند، و در کنار هم قرار می‌گیرند. در حالی که در تکه‌دوزی، روش کار کاملاً متفاوت است، یعنی قطعات به جای اینکه به یکدیگر متصل شوند، بر روی هم یا به روی پارچه‌ای بزرگتر دوخته می‌شوند. همچنین تکرار، آن‌گونه که در چهل تکه وجود دارد، در این تکنیک زیاد به چشم نمی‌خورد و نکته دیگر این است که طرح‌ها هم لزوماً هندسی نیستند. این تکنیک، همان‌طور که ذکر شد، گاهی در چهل تکه‌ها به کار می‌رود و گاهی هم تنها با آجیده‌دوزی همراه می‌شود و به خلق یک لحاف یا یک تابلو و اثر هنری می‌انجامد.

---

۱. بقچه سوزنی: نوعی زیرانداز است که در زمان گذشته وقتی به حمام می‌رفتند همراه خود می‌بردند و بعد از استحمام برای پوشیدن لباس‌ها آن را زیر پای خود پهن می‌کردند.

## تاریخچه چهل تکه دوزی در ایران

چهل تکه دوزی در ایران به نام‌های مختلفی شناخته می‌شود؛ از جمله خاتمی دوزی، لندره دوزی و گاهی هم تکه دوزی. آنچه از اسناد و مدارک محدود برمی‌آید؛ بیانگر این است که چهل تکه دوزی بویژه زمانی که با آجیده دوزی یا مطلسه دوزی همراه باشد، در گروه رودوزی‌های سنتی ایران جای می‌گیرد. اصطلاح «رودوزی» یا «روکاری»<sup>۱</sup> به هنری گفته می‌شود که طی آن نقوش مختلف بر روی پارچه‌های بدون نقش از طریق دوختن یا کشیدن قسمتی از نخ‌های تار و پود پارچه به وجود می‌آید. (اسفندیاری، ۱۳۷۲: ۴۰) هرچند که زمان پیدایش «رودوزی» که در آغاز برای تزیین البسه بوده است، دقیقاً مشخص نیست، اما اسناد و مدارک موجود و نمونه‌های به دست آمده حکایت از رواج رودوزی‌ها در دوران ایران باستان دارد. (اسفندیاری، ۱۳۷۲: ۴۲).

این نوع دوخت از گذشته در ایران رایج بوده است، با این حال تاریخ مشخصی برای پیدایش آن در دست نیست، اما آثار باقی مانده در موزه‌های «ارمیٹاژ لنینگراد» و «متروپولیتن» و «موزه ایران باستان» حکایت از رواج خاتمی دوزی در دوره سلجوقی دارد. (همان، ۲۴۳) به طور کلی، این هنر در ایران در زمان‌های متفاوت رواج داشته است، به طوری که قطعات مختلف پارچه با مهارت هر چه تمام‌تر و با توجه به هماهنگی کامل رنگ‌ها در کنار یکدیگر دوخته می‌شدند و روی بخیه‌ها را هم با گل دوزی‌های ابریشمی (آجیده دوزی) زیبا می‌ساختند. این کار زحمت زیادی داشت و افراد در ازای آن دستمزد دریافت می‌کردند. در این زمینه از محمدعلی جمالزاده در کتاب **گنج شایگان** نقل است که:

«خاتمی دوزی سابقاً در ایران بسیار رواج داشته و امروزه روز به روز از میان می‌رود و آن عبارت است از مقداری قطعات خرد پارچه‌های مختلفه‌اللون و مختلفه‌الشکل که از روی استادی طوری پهلوی یکدیگر دوخته می‌شود که شباهت کامل به شال‌های

کشمیر پیدا می‌کند و بخیه‌دوزی‌ها را نیز با گلدوزی‌های ابریشمی ملون می‌پوشانند و یک قطعه پنج تا شش ذرعی این نوع کار ۵۰ تا ۶۰ تومان قیمت دارد و بعضی پرده‌ها را از ۱۰۰ تا ۲۵۰ تومان و یک زین‌پوش را از ۲۵ تا ۱۲۰ تومان می‌فروشند.» (جمالزاده، ۱۳۶۲: ۷۹).

بنابراین می‌توان گفت براساس اسناد محدودی که در دست است، چهل تکه‌دوزی در ایران رواج داشته، اما اینکه دقیقاً به چه زمانی برمی‌گردد و در گذشته به چه صورتی انجام می‌شده است، اطلاعات مشخصی در دست نیست. تنها می‌توان به این نکته اشاره کرد که این کار در ایران موارد استفاده مختلفی داشته است که عبارتند از: رویه لحاف، رویه کرسی، رختخواب پیچ، سجاده، رویه‌پشتی، روقوری، روتختی، کوسن، پشتی، رومبلی، پرده‌های مختلف، بقچه‌سوزنی و تابلوهای تزئینی. همچنین مراکز اصلی در ایران که دوخت در آنجا رواج بیشتری داشته است، عبارتند از: رشت، اصفهان، یزد، تبریز، کاشان، کردستان و آذربایجان غربی که امروزه هیچ اطلاعاتی در زمینه این آثار در این مراکز وجود ندارد. در نتیجه بر آن شدیم تا با پژوهشی میدانی به نمونه‌هایی از چهل تکه‌دوزی در برخی از این مراکز دست پیدا کنیم و آنها را از منظر مردم‌شناختی مورد بررسی قرار دهیم. آنچه در ادامه می‌خوانید، خلاصه‌ای از گزارش سفر به مراکز اصفهان و چهارمحال و بختیاری است.

استان اصفهان یکی از انتخاب‌های ما برای مطالعه بود. چون از یک سو اصفهان از قدیم‌الایام در زمینه هنر ایرانی در جهان زبانزد بوده و دیگر اینکه بر اساس مطالعات اسنادی، دریافته بودیم که این کار در گذشته در اصفهان هم انجام می‌شده است، اگرچه امروزه اطلاع دقیقی از آن در دست نیست. لذا به منظور مطالعه میدانی عازم اصفهان شدیم. آنچه برای مطالعه مد نظر بود، نمونه‌های قدیمی و سنتی چهل تکه‌دوزی بودند که روزگاران زیادی در صندوق‌های قدیمی پنهان شدند و کسی به آنها هیچ توجهی نکرده است و نمی‌کند. همچنین آثاری که هنوز هم بدون هیچ‌گونه الگو و روش خاصی دوخته می‌شوند و مورد استفاده قرار می‌گیرند، غافل از اینکه این آثار می‌توانند برای مطالعات فرهنگی و مردم‌شناختی ما بسیار ارزشمند باشند با این همه، بعد از چند روز

جستجوی مستمر در شهر اصفهان نتیجه‌ای حاصل نشد، تا اینکه در موزه هنرهای تزیینی اصفهان به طور کاملاً تصادفی، با یک خانم قشقایی ساکن اصفهان برخورد کردیم که ایشان برای مطالعه این آثار، شهرستان سمیرم را به ما معرفی کردند. در نتیجه، با راهنمایی مفید این خانم و کسب اطلاعات لازم، عازم سمیرم شدیم.

این شهرستان در ۱۶۵ کیلومتری جنوب اصفهان، میان استان‌های فارس، کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال و بختیاری واقع شده و منطقه‌ای کوهستانی است. مهم‌ترین ارتفاعات آن، رشته‌کوه‌های دینار (قله دنا) است که در مرز استان اصفهان و کهگیلویه و بویراحمد واقع شده است. این شهرستان بعد از شهرکرد یکی از مرتفع‌ترین شهرهای ایران به شمار می‌رود، به طوری که در بدو ورود به سمیرم تابلویی به چشم می‌خورد که ورود مسافران را به بام ایران خوش‌آمد می‌گوید. این شهرستان، آب و هوایی کوهستانی با زمستان‌های سرد و پر برف و تابستان‌های خشک و معتدل دارد.

در مورد وجه تسمیه سمیرم، معروف‌ترین قول آن است که به علت آب و هوای سرد منطقه به آن سمیران (زمیران) می‌گفتند. که بعدها به سمیرم تبدیل شده است و به معنای سردسیر است. این شهرستان از دو بخش مرکزی و پادنا تشکیل شده و جمعیت آن بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۰، ۸۵۰۰۰ نفر بوده است. ایل قشقایی که از تیره‌های مختلفی تشکیل می‌شود، هنگام بیلاق به این منطقه می‌آیند و با مردم داد و ستد دارند. زبان مردم سمیرم فارسی است، ولی اغلب آنها به دلیل داد و ستد و دیگر اختلاط‌های خانوادگی با عشایر کوچ‌رو و طوایف کهگیلویه و بویراحمد و چهارمحال، به زبان ترکی و فارسی دری هم صحبت می‌کنند. زندگی مردم از طریق دامپروری و کشاورزی تأمین می‌شود، ضمن آنکه باغ‌های سیب بسیاری در این منطقه به چشم می‌خورد و سیب سمیرم شهرت خاصی دارد و حتی این محصول به خارج از این منطقه هم صادر می‌شود. صنایع دستی و کارگاهی این شهرستان عبارتند از: قالی‌بافی، گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی.



## چهل تکه دوزی در شهرستان سمیرم

ابتدا باید یادآور شد که تمام خانم‌ها در این منطقه در سنین مختلف با این کار آشنا هستند، چه خود سابقه‌ای در این زمینه داشته باشند و چه کاملاً بی‌تجربه باشند، اما وقتی نامی از چهل تکه به میان می‌آید، همه می‌دانند که یعنی وصل کردن تکه پارچه‌ها به یکدیگر. با وجود این، کسی از گذشته این کار در این منطقه هیچ اطلاعی ندارد و تنها نسل به نسل، از مادران و مادر بزرگ‌هایشان آموخته‌اند که می‌توان برای صرفه‌جویی اقتصادی، از تکه پارچه‌ها به این نحو استفاده کرد و برای مصارف مختلفی آنها را به کار برد. البته، در این شهرستان افراد محدودی در این زمینه سابقه داشتند و کارهای زیادی دوخته بودند. چون پارچه که ابزار اصلی این کار است، همیشه در دسترس همه زن‌ها نیست. «مگر ما چند بار در سال لباس می‌دوزیم که پارچه داشته باشیم، آنها هم که دارند خودشان چهل تکه دوزی می‌کنند و این افراد معمولاً خیاط هستند و برای همین همیشه پارچه دارند، اما خیلی کم پیش می‌آید که پارچه داشته باشیم»<sup>۱</sup>

در نهایت، با یکی از خانم‌های جوان (صدیقه) که عمه و مادر بزرگش در زمینه چهل تکه دوزی شهرت داشتند، همراه شدیم. بی‌بی خانم (مادر بزرگ) پیرزنی ۸۰ ساله اما کاملاً سالم و سرحال بود که از دوران گذشته چهل تکه دوزی می‌کرده است و هنوز هم اگر پارچه‌ای داشته باشد، این کار انجام می‌دهد و حاصل کارش را معمولاً به دیگران هدیه می‌کند و تنها وسیله‌ای هم که برای این کار مورد استفاده قرار داده و با آن پارچه‌ها را به هم وصل کرده، سوزن و نخ بوده است.

«زمانی که جوان بودم شش تا بچه کوچک داشتم که باید از آنها مراقبت می‌کردم و غیر از آن کارهایی بود که باید هر روز انجام می‌دادم، مثلاً روزی چند بار مشک می‌زدم. ولی شب‌ها که کار کمتری داشتم، می‌نشستم و تمام خرده پارچه‌هایی را که داشتم و از دیگران گرفته بودم، با نخ و سوزن و با کوک به هم وصل می‌کردم.»

۱. مصاحبه با یکی از خانم‌های اهالی شهرستان سمیرم، (تهیه نگارنده)

دختر بی‌بی، عمه‌خانم هم مانند مادر خود در زمینه چهل‌تکه‌دوزی شهرت دارد و هنوز هم این کار را انجام می‌دهد. او یکی از خیاط‌های معروف سمیرم است که بدون دریافت دستمزد برای اهالی شهر لباس می‌دوزد و این کار را با چرخ انجام می‌دهد. اما نمونه‌ای نداشت که به ما نشان دهد، چون او هم مانند مادرش تمام کارهایش را به عنوان هدیه به دوست و آشنا بخشیده بود.

«این چیزها رفتنی هستند و باید بروند و آن چیزی که می‌ماند خوبی و یادگاری است و من برای ثوابش کار می‌کنم.»

همان طور که ملاحظه شد، چهل‌تکه در این منطقه به صورت ابتدایی و کاملاً ساده انجام می‌شود. کارگاه افراد، خانه‌شان است و پارچه، اصلی‌ترین چیزی است که برای این کار در دسترس می‌باشد؛ وسیله‌ای که اگر چه خیلی ساده و پیش پا افتاده به نظر می‌رسد، اما همین وسیله ساده در این منطقه در اختیار همه قرار ندارد. چه بسا اگر همه زن‌ها مثل عمه‌خانم پارچه داشتند، رقابتی بین افراد ایجاد می‌شد و در نتیجه می‌توانستیم شاهد تنوع آثاری در این زمینه باشیم و همین امر به پیشرفت این تکنیک منجر می‌شد. ابزار دیگر، سوزن و نخ است که تقریباً تمام خانم‌های ایرانی به نحوی با آن سر و کار دارند، ولی کم پیش می‌آید که آن را در این زمینه به کار ببندند. آن‌گونه که بی‌بی، یک عمر با سوزن و نخ چهل‌تکه‌های بسیار زیبایی دوخته و در آنها در واقع خاطرات دوران مختلف زندگی خود را که در هر تکه پارچه نهفته است، به وسیله کوک به یکدیگر متصل کرده و گاهی ماه‌ها روی یک اثر زحمت کشیده و دردها و عشق‌ها و شادی‌هایش را با خاطرات گذشته آمیخته است تا یک روتختی یا رورختخوابی خلق کند و چه بسا به سختی می‌توانسته از آن دل بکند. با گذشت زمان، سوزن و نخ جای خود را به چرخ خیاطی داد و زنان بیشتر از این وسیله استفاده می‌کنند. این ابزار، برای برخی افراد وسیله معاش است و برای گروهی دیگر مثل عمه‌خانم، وسیله‌ای است برای حفظ روابط اجتماعی و محبت کردن و هدیه دادن به دیگران. این چرخ‌ها بسیار ساده و قدیمی هستند و اصلاً نمی‌توان آنها را با چرخ‌های مدرن و پیشرفته امروزی مقایسه کرد. اما آنچه در مورد چرخ عمه‌خانم جالب است،

خرمهره‌ها و پارچه سبز دعاخوانده بر روی آن است که چرخ و صاحبش را در مقابل چشم بد بیمه می‌کند. هر چند عمه‌خانم هیچ درآمدی از این راه ندارد، ولی از چشم و نظر می‌هراسد. (تصاویر ۵، ۶، ۷، ۸)



صدیقه در مورد این مسئله می‌گوید: «یکی از اقوام ما خیلی خوب خیاطی می‌کرد، یک بار مهمان داشت و او خیلی از کارش تعریف کرد و بعد از آن فامیل‌مان دیگر نتوانست خیاطی بکند و مهمانشان چشمش کرده بود. برای همین عمه‌خانم اینها را به چرخش آویزان کرد تا چشمش نکنند.»

نمونه کارهایی که در سمیرم دیدم، الگوی پیچیده و خاصی نداشت. معمولاً به دو

شکل دوخته می‌شدند یا به شکل چهارگوش کنار هم قرار می‌گرفتند. یا اینکه آنها را به شکل مثلث‌های بلند (به قول خودشان اریب‌وار) می‌بریدند و آنها را کنار هم می‌دوختند. آنچه با این الگوها دوخته می‌شد، به عنوان لحاف، روتخت‌خوابی، سیسمونی بچه، کیف یا سفره قندی مورد استفاده قرار می‌گرفت یا به کسانی که امکان چهل‌تکه‌دوزی ندارند، هدیه داده می‌شد.



### چهل‌تکه‌دوزی در استان چهارمحال و بختیاری

این استان در بخش مرکزی رشته کوه‌های زاگرس واقع شده و از شمال و شرق به استان اصفهان، از غرب به استان خوزستان، از جنوب و جنوب شرقی به استان کهگیلویه و بویراحمد و از شمال غربی به استان لرستان محدود است. مرکز این استان یعنی شهرکرد، به دلیل ارتفاع بلند آن از سطح دریا به بام ایران شهرت دارد. استان چهارمحال و بختیاری از سه ناحیه متمایز و مجزای «چهارمحال»، «بختیاری» و «سه دهقان» تشکیل شده است و ساکنان آن در مناطق مختلف به زبان‌های فارسی، ترکی و لری (با گویش بختیاری) صحبت می‌کنند. این استان به علت موقعیت طبیعی و جغرافیایی، از گذشته دور تاکنون منطقه‌ای عشایری و محل سکونت ایلات گوناگون بوده است، که معمولاً به دامداری و کشاورزی اشتغال داشته و آن دسته از عشایر که

ساکن شده‌اند، به باغداری و سایر مشاغل خدماتی و تولیدی روی آورده‌اند. از میان صنایع دستی این استان، بویژه منطقه چالشر، فرش آن از شهرت خاصی برخوردار است که با نقش‌های متفاوت و خاص خود توجه علاقه‌مندان را به خود جلب می‌کند. همچنین در مراکز اطراق عشایر و روستاهای استان، می‌توان به دست‌بافته‌های عشایری و روستایی مثل خور، خورجین، نمکدان، موج، چوغا و نمدمالی اشاره کرد. ابتدا در مرکز استان یعنی شهرستان شهرکرد، به جستجو در زمینه یاد شده پرداختیم تا اینکه به یک نمونه چهل تکه که در موزه مردم‌شناسی چالشر نگهداری می‌شد، برخوردیم که تصویر آن در زیر ملاحظه می‌شود.



این کار به عنوان یک پادری یا زیرانداز، روی فرش پهن شده است. زمان، مکان و خالق آن مشخص نیست و تنها به عنوان نمونه‌ای از هنر و صنایع دستی استان و موارد استفاده آن در خانه و زندگی مردم این منطقه در موزه مردم‌شناسی نگهداری می‌شود. اگر چه آن را می‌توان روزنه امیدی دانست که از طریق آن و با توجه به اینکه مردم منطقه (زن و مرد) با این کار آشنایی دارند، بتوان به نمونه‌های دیگری از چهل تکه دست یافت. برای یافتن نمونه‌های بیشتر، بازدید از عشایر استان به ما پیشنهاد شد که در شهرستان کوه‌رنگ نزدیک آبشار شیخ‌علی خان ساکن بودند. از شهرکرد تا شهرستان کوه‌رنگ ۸۵ کیلومتر راه است و در این منطقه بر سرسبزی زمین‌ها افزوده می‌شود و هوا هم به نسبت

سردتر است و در بهار و تابستان سیاه‌چادرهای عشایر بختیاری به چشم می‌خورد.

گروهی از این اقوام در منطقه شیخ علی خان در خانه‌های بسیار کوچک و بدون امکانات ساکن شده‌اند و ما با هدف مشخص کار خود عازم این منطقه شدیم. در این منطقه تقریباً همه با چهل تکه دوزی آشنایی داشتند، اما در میان آنها خانمی بود که کارهای زیادی را بدون هیچ الگو و نظم خاصی دوخته بود. تصاویر زیر نمونه‌های از کارهای اوست.



در این منطقه هم مانند استان اصفهان، هم از چرخ استفاده می‌شود و هم از سوزن و نخ. البته ناگفته نماند، عشایری که ساکن هستند بیشتر از چرخ خیاطی استفاده می‌کنند، چون مجبور نیستند با تغییر فصل و هنگام کوچ این وسیله را با خود حمل کنند، در حالی که عشایر کوچ‌رو معمولاً کار را با دست انجام می‌دهند، چون یا چرخ ندارند یا اگر هم دارند آن را با خود به منطقه بیلاقی نمی‌آورند.

تصویر صفحه بعد چرخ خیاطی آن خانم عشایر است که چهل تکه‌های تصاویر بالا را با این چرخ تهیه کرده است که خود این وسیله حرف‌ها برای گفتن دارد.



همان‌طور که در این تصویر ملاحظه می‌شود، امکانات کار کاملاً ابتدایی است، به طوری که میز چرخ، یک صندوق میوه است که با طناب، چرخ را به آن محکم بسته‌اند. نکته جالب دیگر، نخ‌ها و کاموایی است که به چرخ خیاطی آویزان کرده‌اند (درست مانند چرخ عمه‌خانم در سمیرم) تا در مقابل چشم بد، خود و چرخ خود را بیمه کنند. طبیعی است که هر منطقه، به فراخور سلیقه و تجربه و اعتقادات خاص خود از وسایل مختلفی برای جلوگیری از چشم و نظر استفاده می‌کند؛ در سمیرم خرمهره و پارچه دعا خوانده و در این منطقه نخ‌ها و کاموای خاص برای این منظور استفاده می‌شوند. موضوع دیگر، پارچه‌های به کار رفته در کارهاست. این خانم‌ها، خیاطی می‌کند و برای خودش و بچه‌هایش لباس می‌دوزد و پارچه‌هایی هم که در کارهای مذکور استفاده می‌کند، همه تکه‌های اضافی لباس‌هایی است که در گذشته دوخته است. همان‌طور که ملاحظه شد، این پارچه‌ها رنگ‌های شاد و تند دارند که نشان می‌دهد مردم این منطقه به لباس‌هایی با این رنگ‌ها و طرح‌ها علاقه‌مند هستند (معمولاً پارچه‌ها طرح‌های گلدار دارند) شاید این نوع سلیقه در اثر زندگی و تماس دایم با طبیعت

حاصل شده باشد و چه بسا ما این طراحی و رنگ آمیزی پارچه را در نمونه کارهای منطقه سمیرم نداشتیم.

موارد استفاده از چهل تکه دوزی در این منطقه نیز حائز اهمیت است. آن طور که در جریان بازدید از منطقه دیدیم، چهل تکه در این منطقه براساس الگوی خاصی دوخته نمی شود. در نتیجه نظم خاصی هم بر کارها حاکم نیست، در حالی که در سمیرم کارها بر اساس دو الگوی هر چند ساده (چهار گوش و اریب) دوخته می شدند و نظمی مشخص بر ساختار کلی کار حاکم بود، در حالی که در این منطقه چنین نظمی در کارها به چشم نمی خورد و به نظر می رسد که هدف، تنها استفاده بهینه از پارچه های اضافی است که معمولاً آنها را با عنوان پرده و ملحفه و روتخت خوابی استفاده می کنند. در واقع در دوختن چهل تکه در این منطقه بیشتر نوعی صرفه جویی و ملاحظات اقتصادی منظور می شود.

### جمع بندی

با وجود اینکه هنر چهل تکه دوزی به شکل کاملاً ابتدایی و سنتی در ایران رواج دارد، اما کمتر کسی از آن آگاهی دارد و به جرأت می توان گفت که در این زمینه، در ایران مطالعه ای صورت نگرفته که بسیار باعث تأسف است، زیرا از این جریان سنتی و کاملاً ابتدایی که هدف آن وصل کردن تکه پارچه ها به یکدیگر است، اطلاعات فرهنگی بسیار ارزشمندی در زمینه های متفاوت می توان کسب کرد. مثلاً یک چهل تکه بسیار ساده که بدون هیچ الگوی مشخصی از به هم وصل کردن پارچه ها با کوک حاصل می شود، با وجود سادگی ظاهر، مسائل بسیار زیادی را مشخص می کند؛ اینکه فرد تحت تأثیر عوامل محیطی از رنگ های خاص در کار خود استفاده می کند، همان طور که رنگ پارچه ها در چهارمحال و بختیاری و سمیرم بسیار متفاوت بود و در میان بختیاری ها به علت هم نشینی و انس و ارتباط نزدیک با طبیعت رنگ ها شادتر و گرم تر بودند و حتی طراحی پارچه ها هم به طبیعت نزدیک تر بود که این خود بسیار مهم است.

از سوی دیگر، ابزار ساده کار، خود گویای بسیاری از اعتقادات و باورهای این اقوام بود. همچنین کارکرد این پدیده میان این اقوام با یکدیگر تفاوت داشت، گاهی نیازی



اقتصادی را برطرف می‌کند و گاهی برای استفاده شخصی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها تهیه می‌شود و گاهی نیز وسیله‌ای است برای پر کردن اوقات فراغت. برخی نیز آن را به دیگران هدیه می‌دهند تا از این طریق روابط اجتماعی خود را حفظ کنند و استحکام ببخشند.

در نهایت می‌توان تکه‌دوزی را یک پدیده فرهنگی تام محسوب کرد که از جزئی‌ترین و کوچکترین قسمت آن که تکه‌پارچه‌ای کوچک است تا کارکرد آن در بستری فرهنگی - اجتماعی، مسائل ارزشمندی را در رابطه با آن جامعه برای ما روشن می‌کند. این پدیده در کشورهای غربی پیشرفت‌های بسیاری کرده است و امروزه به عنوان شاخه‌ای از هنرهای تجسمی و هنر منسوجات به نام «آرت کویلت»<sup>۱</sup> شناخته می‌شود که دنیای بسیار گسترده‌ای برای خود دارد. چهل تکه‌دوزی ابتدایی غربی با بسیاری از تکنیک‌های مختلف هنری مثل نقاشی، رنگ‌آمیزی پارچه و... همراه شده است تا زمینه برای بیان عقاید و ارزش‌ها، سنن، آداب و رسوم و ایدئولوژی‌های اقوام مختلف بهتر فراهم شود و هنرمندان محدودیتی در این زمینه نداشته باشند.

بنابراین، در این زمینه میدان فعالیت و مطالعه میان اقوام مختلف بسیار گسترده است و این کار تنها تلاشی بود که ضمن معرفی مختصر این جریان، نهادهای علاقه‌مند و خاموش را بیدار کنیم تا در این زمینه فعالیت‌های بیشتری صورت گیرد و بتوان از این جریان سنتی که امروزه به نوعی به هنر تبدیل شده است و همچون تاریخچه‌ای مصور عمل می‌کند، به اطلاعات فرهنگی ارزشمندی درباره اقوام مختلف دست یافت. البته ناگفته نماند این هنر در خدمت دیدگاه‌های متفاوت اجتماعی، دینی... هم قرار دارد، چه بسا بسیاری از فمنیست‌های فعال و معروف از این تکنیک برای بیان عقاید خود استفاده می‌کنند و حتی به علت گسترش این جریان، مردها هم در این زمینه فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که این همه، بیانگر این واقعیت است که در هنر چهل تکه‌دوزی پارامترهای مختلف و متنوعی را می‌توان برای مطالعه لحاظ کرد و به آنها پرداخت.

## منابع

الف - مصاحبه با برخی از اهالی شهرستان سمیرم و استان چهارمحال و بختیاری  
پیرامون موضوع

## ب - کتاب

- ۱- اسفندیاری، صبا، نگرشی بر روند سوزن‌دوزی‌های سنتی ایران، تهران: بی‌نا، ۱۳۷۲.
- ۲۳- جمالزاده، محمدعلی، گنج شایگان، تهران: بی‌نا، ۱۳۶۲.
- ۴- وولف، هانس، ای، صنایع دستی کهن ایران، سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: آموزش و پرورش، ۱۳۷۲.
- ۵- یآوری، حسین، جزوه نساجی و بافت، تهران: سازمان صنایع دستی ایران، ۱۳۶۵.
- ۶- فرهنگ عمید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی